مجلهٔ دانشگاه علوم پزشکی بابل
دوره پانزدهم، ویژه نامه ۱، زمستان ۱۳۹۱، صفحه ۸۱-۷۷

مقاله مروری

مقایسه نتایج عملی حاصل از جهان بینی غربی در طب رایج با طب اسلامی

سیدعلی مظفرپور(MD, PhD)[۱]*، محمود خدادوست(MD, PhD)[۲]، مهدی یوسفی(MD, PhD)[۳]،
سیده فاطمه مظفرپور(BSc)[۴]، هدی شیرافکن(MA)[۳]

۱- گروه طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی بابل
۲- سازمان پزشکی قانونی
۳- گروه طب سنتی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
۴- دانشگاه علوم پزشکی بابل

دریافت: ۹۱/۶/۲۹، اصلاح: ۹۱/۸/۱۷، پذیرش: ۹۱/۹/۱

خلاصه

سابقه و هدف: تفاوت جهان بینی ها در دانشمندان علوم مختلف، منجر به پدید آمدن تفاوت در علوم جوامع بشری می گردد. این مطالعه به منظور مقایسه نتایج عملی حاصل از جهان بینی غربی در طب رایج با طب اسلامی انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مبانی جهان بینی غربی و عملکرد طب رایج غربی را بررسی نموده و سپس این مبانی با طب اسلامی مورد مقایسه قرار گرفت.

یافته ها: طب غربی که پشتوانه آن، مفاهیم غیرتوحیدی اومانیستی است، به دنبال این است که انسان را به جای خدا بنشاند. لذا تمام خصوصیاتی که در جهان بینی توحیدی برای واجب الوجود وجود دارد، در انسان می جوید. تلاشها برای ابدی کردن انسان، معرفی او به عنوان عالم مطلق و آگاه به غیب و کوشش در جهت ایجاد خلق در عالم، از مظاهر این جهان بینی است. در دیدگاه طب اسلامی که از جهان بینی توحیدی منشأ می گیرد، ضمن معتبر شناختن علل مادی در امر درمان، ولی در حقیقت، همه عالم و از جمله درد و درمان را از خدا می داند. طبیب، مظهر اسم محیی و شافیِ حق است. رشد یافتن در فضای طب اسلامی، طبیب را هر لحظه به این اعتقاد می رساند که او فقط ابزارِ رساندنِ دارو است و درمان از خداست. این علم زمینه موحدپروری دارد. در حالی که چنین قابلیتی در طب غربی وجود ندارد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه نشان داد علمی که در فضای فکر توحیدی ایجاد می شود، با علمی که در محیط فکری اومانیستی ایجاد می شود.

واژه های کلیدی: طب اسلامی، طب غربی، جهان بینی اسلامی، جهان بینی غربی.

مقدمه

جهان شناسی از مختصات انسان است و به نیروی تفکر و تعقل وابستگی دارد. شهید مطهری; در تعریف جهان بینی می‌گوید: نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می دارد، زیر ساز و تکیه گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود، این زیر ساز و تکیه گاه اصطلاحاً جهان بینی نامیده می‌شود. همه دین ها و آیین ها و همه مکتبها و فلسفه های اجتماعی متکی به نوعی جهان بینی بوده است» (۱). جهان بینی و تفکرات فلسفی رایج در هر جامعه ای، در علومی که توسط دانشمندان آن جامعه حاصل می شود، مؤثر است. نگاه به مبدأ، معاد، هدف آفرینش و زندگی انسان، جایگاه انسان در هستی و مسائلی از این دست را می توان لابلای دانش هایی که توسط آنها تولید می شود، یافت. در علوم انسانی این مسأله بسیار بارز است. اما منحصر به آن نیست. در علومی که ظاهراً فرامادّه بروز کمتری در آن دارد نیز، می توان این اثرات را دید. مثلا در معماری که بر مبنای جهان بینی توحیدی شکل می گیرد، عموم خطوط به یک نقطه مرکزی و فوقانی ختم می شود (گنبد، مناره، سردر پنجره ها و ...) که نمایانگر دید توحیدی آفرینندگان آن است. در اماکن مذهبی شکل ظاهری گنبد و دو مناره در اطراف آن، نماد انسانی است که به آسمان می نگرد و دستهایش به آسمان بلند است. در حالی که در معماری هایی که بر مبانی غیر توحیدی شکل گرفته اند، چنین اموری دیده نمی شود. از آنجا که موضوع علم طب، انسان است و انسان شامل جسم و روح می باشد، قطعا اعتقاد به وجود یا عدم جزء فرامادی در انسان و حتی چگونگی شناخت از روح، در اجزای علوم تولید شده مؤثر است.

روش کار

در این مقاله مبانی جهان بینی غالب غربی را بیان نموده و شواهدی از مبانی و عملکرد طب رایج غربی را که به نظر می رسد بر پایه این جهان بینی بنا

* مسئول مقاله:
آدرس: بابل، دانشگاه علوم پزشکی، دانشکده طب سنتی، تلفن: ۰۱۱۱-۲۱۹۴۷۳۰
e-mail: seyyedali1357@gmail.com

[DOR: 20.1001.1.15614107.1391.15.1.11.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.jbums.15.1.77]

شده است، به صورت تطبیقی ذکر می گردد. سپس این مبانی با طب اسلامی مورد مقایسه قرار خواهد گرفت. در این بحث، ما ادعای نیت خوانی از اعمال اطبای غربی را نداریم، بلکه می خواهیم بگوییم که تفاوت در مبانی اعتقادی، به طور طبیعی منجر به تفاوت هایی در شیوه عمل می شود. اگرچه شاید نتوان به آسانی ثابت کرد که گروهی با برنامه و هدف مشخص، تک تک این راهکارها را جهت دهی می کنند، ولی قطعا به راحتی نمی توان از همسو بودن راهکارهای عملی در طب، با مبانی اعتقادی و فلسفی جامعه غربی گذشت.

یافته ها

۱- جهان بینی غالب غربی و نتایج عملی آن: در جهان بینی غالب در غرب، دنیا با تصادف به وجود آمد. تئوری امروزی برای پیدایش عالم با این تفکر، انفجار بزرگ (Big bang) است. در زمینه اداره عالم نیز تقریبا اجماعی در بین قائلین به تفکر مادی وجود دارد که به یک نظم ماشینی در اجزای عالم اعتقاد دارند. در این جهان بینی، خدای آسمانی که مدبر امر باشد، وجود ندارد و در اندیشه غالب غربی (humanism- انسان گرایی یا انسان مداری یا انسان خدایی) انسان به جای خدا می نشیند.

در اندیشه اومانیسمی عصر جدید (از حدود نیمه قرن چهاردهم میلادی)، آدمی با نیازها و خواست ها و آرمانها و تمایلات مادی به عنوان مبنا و مدار همه چیز پنداشته می شود و به تعبیری انسان، خدا می شود.وقتی که این دیدگاه انسان را به جای خدا می نشاند، تمام خصوصیاتی را که در تفکرات دینی برای خدا بر می شمارند، در انسان جستجو می کنند:

۱-ابدی بودن: طب غربی به عنوان یکی از بازوهای عملیِ فلسفه اومانیسمیِ غرب، همواره به دنبال جاودانه کردن انسان و طول عمر نامحدود برای اوست. تلاش بسیار برای یافتن ژن طول عمر یا ژن جوانی و امثال آن، تلاشی برای این نکته است. خبرهای گاه و بیگاه در مورد اثر جوان سازیِ فلان میوه یا گیاه و یا یافتن چاهی که آب آن باعث جوان نگهداشتن انسان ها می شود و خبرهای مشابه آن، در همین راستا است. تلاش در جهت حفظ تپش قلب بیماران (حتی End stage) تا حد ممکن- که معمولا حد آن، مسائل اقتصادی و cost-benefit بودن آن است- در همین جهت قابل توجیه است. و در نهایت یکی از دلائل تلاش ها برای همانند سازی یا اهداء اعضاء (علاوه بر اثرات مثبتی که دارد)، یافتن عضو یدکی برای جاودان کردن انسان می باشد.

۲-علم مطلق: انسان غربی می کوشد تا از یک طرف به فراسوی کهکشانها راه یابد و هم از اعماق سلولها و ذرات ریز این عالم آگاهی یابد تا به نوعی نماد علم مطلق باشد. طراحی و ساخت وسائلی که قادر به دیدن کوچک ترین اجزای بدن انسان باشد، از نمودهای این تلاش است. با این تفکر، دیگر لزومی به پذیرش موجودی فرامادی با علم مطلق باقی نمی ماند.

۳-آگاهی به غیب: یکی از خصوصیات مومنان، ایمان به غیب است. در این دیدگاه اولا سعی می شود تا برای تمام پدیده ها توجیه ملموس با حواس پنجگانه یافت شود و یا علل مادی برای تمام مسائل غیرمادی یافت و در غیر این صورت، با ارائه تئوری هایی توجیه نمود. در بدن انسان سعی می شود تمام افکار و اعمال و احساسات انسان را با ژن توجیه نمایند. معرفی مواردی مثل ژن خنده، ژن عشق ورزی، ژن حسادت، ژن سعادت و ... تلاشی در این جهت است. پیگیری مسأله ژنومیکس و پروتئومیکس از مصادیق این جهت گیری ها است. از طرفی علل مادی را جای علت العلل قرار می دهند. مثلا سلول های مسول عشق ورزی را در مغز معرفی می کنند و یا حرکت نروترانسمیترها (واسطه های شیمیایی عصبی) در مغز را مسول مستقیم تمام رفتارهای هنجار و ناهنجار روانی معرفی می کنند.

۴-خلق: یکی از خصوصیاتِ واجب الوجود، خالق بودن (آفرینش موجود از عدم) است. لذا طب غربی که در بستر فرهنگ غربی رشد یافته تلاش می کند به اشکال مختلف، در طبیعت بدن انسان دستکاری هایی انجام داده و آنها را به نوعی، خلق جدید خود بداند.

۲- جهان بینی اسلامی و نتایج عملی آن: در این جهان بینی که مبنای طب اسلامی می باشد، علل مادی به رسمیت شناخته می شوند، با این تفاوت که در طول علت العلل تفسیر می شوند. نظم عالم بر اساس حکمت قائم است. عزل وسائط و اسباب در دیده حق بینِ موحد حقیقی، نارواست که نقض حکمت است (۲). بر اساس آموزه های وحیانی اسلام، خداوند مرکز و محور هستی است و کل هستی بر مدار کمانه های دایره ربانیت او قرار گرفته و همه عالم، عرصه حاکمیت بلامنازع ذات ربوبی به شمار می روند که گردونه زیست و حیات بشری و ارتباطات او نیز از سیطره ی ربوبیِ تشریعیِ او خارج نیستند. بنابراین، هیچ کس از جمله انسان، نمی تواند شأن خدایگانی یابد و پروردگار زمین باشد.

خلقت زمین و آسمان، نزول باران، خروج ثمرات از زمین، حرکت کشتی ها، تسخیر شب و روز برای انسان و در کل، تمام امور عالم به خدا نسبت داده می شود (۳). در آیات متعدد دیگر نیز ضمن پذیرش علل مادی، تمام عالم و ما فیها به خدا نسبت داده می شود. در سوره مومنون، در مورد خلق انسان در زندگی جنینی، ضمن اینکه علل مادی آن، از نطفه و سیر آن تا دمیدن روح را به رسمیت می شمارد، با ۷ بار تأکید ،همه این مراحل را به خود نسبت می دهد: و لقد خلقنا الانسان من سلالة من طین، ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین، ثم خلقنا النطفة علقة، فخلقنا العلقة مضغة، فخلقنا المضغة عظاما، فکسونا العظام لحما، ثم انشأناه خلقا آخر

آنگاه به سبب خلق آخر خود که روح می باشد، بر خود آفرین می فرستد: فتبارک الله احسن الخالقین (۴) امری که از نظر جهان بینی غربی نامفهوم است. در آیات دیگر علاوه بر خلق انسان، رزق دادن (۶و۵)، شفا دادن (۷) و بازگشت انسان (۹و۸) را به خود نسبت می دهد. گویا انسان با اراده او به دنیا می آید، تمام شئون زندگی اش، با اراده او شکل می گیرد و در نهایت به سوی او برمی گردد (۱۱و۱۰).

در روایات و ادعیه نیز این معانی، به شکل زیبایی بیان شده است:

الأمام زین العابدین: اللهم لک الحمد أن خلقت فسویت و قدرت و قضیت و أمت و أحییت و أمرضت و شفیت و عافیت و أبلیت (۱۲). نکته مهم دیگر اینکه خداوند تأکید می فرماید که این خلقت ها، بی هدف نبوده است (۱۴و۱۳) و این هدف چیزی جز عبادت خدا نیست (۱۵). لذا یک پزشک که با آموزه های دین اسلام – که در تار و پود طب اسلامی رسوخ کرده است، رشد می کند، خود را تنها وسیله ای برای تحقق اراده الهی و مظهر اسم محیی و شافی خداوند می بیند. انگیزه سرکشی ندارد. به دنبال این نیست که خود را جانشین خدا کند.

در این علم، حلال و حرام در دستورات پزشکی معنی می دهد. عوارض غیر مادیِ خوردن گوشت خوک، قابل پذیرش است. پرهیز و توصیه به نخوردن، در دستورات پزشکی اسلامی- به خاطر همسویی با مفاهیم دیگر دین، همچون روزه به راحتی پذیرفتنی است.

[DOR: 20.1001.1.15614107.1391.15.1.11.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.jbums.15.1.77]

اعتقاد به توحید، موجب پیدایش علمی می شود که دانشجوی این علم، در سیر و نهایت علم آموزی، خدا را مالک حقیقی عالم می داند و اسباب مادی و فاعلی و صوری را در طول علت العلل تفسیر می کند. لذا این علم، قابلیت موحد پروریِ بیشتری دارد. ولی علمی که توحید در آن بارز نباشد (و یا حتی به طور غیر مستقیم نفی شود) و دائره علت و معلول، در جهان مادی منحصر شود، قابلیت پرورش دانشمندانی می دهد که ابعاد فرامادی برای آنها نامفهوم است و یا حداکثر اینکه اعتقاد به این امور، از علم پزشکی غربی حاصل نمی شود. با اینکه علم حقیقی، نوری است که از جانب خداوند در قلب کسی که اراده فرماید، قرار میگیرد:

قال رسول الله: العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء

خداوند در توصیف دانشمندی که با وجود علم مادی، هیچ نوری از انوار الهیه بر قلبش نمی نشیند، می فرماید که این فرد با وجود علم، گمراه شد. چنین دانشمندی پرده ای بر گوش و دیده و قلبِ خدابینش قرار گرفته است و چنین فردی هیچگاه هدایت نخواهد شد (۱۶).

بحث و نتیجه گیری

از آنجاییکه نیاز به ارتباط با غیب از نیازهای فطری انسان است، با مسائلی مانند جادوگری و عرفانهای دروغین به دنبال جبران این نیاز هستند (تبلیغ زیاد فیلم های هری پاتر و افتتاح مدارس جادوگری در این راستا می باشد که خارج از بحث ما می باشد).

دستکاری های جراحی فراوان (اسپلنکتومی غیر ضرور، آپاندکتومی (بدون اینکه به احتمال وجود راهکارهای دیگر درمانی بیندیشند) و عمل های جراحی زیبایی که فراوان انجام می شود، با این دیدگاه قابل توجیه است. هرچند ممکن است چنین تصوری به خاطر پزشک و بیمار مسلمان، خطور هم نکند. دستکاریهای دارویی غیر معمول در بدن انسان (مانند هورمون تراپی(HRT) در خانم های یائسه، سالها تبلیغ و مصرف شیر خشک به جای شیر مادر که با روشهای علمیِ تجربی اثبات نموده بودند! که بهتر از شیر مادر است، اصرار بر لزوم دادن مکمل ها به کودکان و ...) در همین راستا است. البته در اینجا نمی خواهیم اثبات کنیم که هر دستکاری لزوما اشتباه است. بلکه برآنیم که بیان کنیم بسیاری از این دستکاریها با هدف تصحیح خلقت خدا انجام می شود و همه فلاسفه پشت این طب، به اندازه پزشکان ما خوش قلب و در خدمت سلامت انسانها نیستند!

مسأله دیگر در موضوع تلاش برای خلق، همانند سازی است. آنها ادعا می کنند که از یک سلول می توانند موجودی خلق کنند و یا با یک یاخته، عضو زنده ای بسازند. تلاش برای ایجاد بارداری در آقایان و عمل های جراحی تغییر جنسیت، مثال های بارز کوشش ها برای ایجاد خلق است. دانشمندان تنها فهمیده اند که با درکنار هم قرار گرفتن چند چیز، چه چیزی حاصل می شود وگرنه اگر همه این دانشمندان جمع شوند، با چند گرم کربن و اکسیژن و نیتروژن و ... نمی توانند نیروی حیات را به پشه ای داده و آن را بیافرینند. اعطای نیروی حیات به جماد و پدید آوردن موجود از عدم، از خصوصیات خاصه ذات باری تعالی (جلّ جلاله) است (۱۷).

این اعمال در چارچوب فلسفه مادی غرب، با هدف جایگزینی خدا توسط انسان، طراحی می شوند، البته می توان بعضی از این اعمال را بدون تغییر و بعضی دیگر را با پیرایش بر مبنای فلسفه دینی، در چارچوب طب اسلامی به کار گرفت.

۱- جهان بینی دانشمندان، در لابلای دانشی که توسط آنها تولید می شود، قابل جستجو است.

۲- اثرات جهان بینی در علومی که موضوعِ آن علم، فراماده را نیز شامل می شود، بارزتر است.

۳- چون موضوع علم طب، انسان است و انسان، از روح و جسم تشکیل شده، نوع نگرش به مبدأ و معاد، در نوع شناخت از انسان مؤثر است.

۴- جهان بینی غالب در غرب که منشأ علوم قرار گرفته، جهان بینی غربی و با غلبه تفکر اومانیسم است که انسان را به جای خدا می نشاند. اما تفکر غالب در طب اسلامی، نگرش توحیدی به عالَم است.

۵- دیدگاه تفکر غربی با اسلامی در موضوعات توحید، نبوت و معاد، تفاوت اساسی با هم دارند.

۶- تفاوت دیدگاه های مبنایی، در علم طب منجر به تفاوت در هدف زندگی، نگاه به مرگ، تعریف سلامتی، نگاه به درد، نگاه به دواء و وظیفه پزشک می شود.

۷- در طب غربی، تشخیص بیماری، درمان، ساخت دارو، تأثیر و پیش بینی اثربخشی آن، منحصر در علل مادی است. مرگ بیماران، یک مسأله عادی و و معمولی است و تنبهی در آن نیست. یک پزشک حق دارد که خود را شفادهنده بیمار بداند. لذا زمینه غرور در برابر خالق را برایش فراهم می سازد و جایی برای رشد معنویِ حقیقی، در این فرهنگ فراهم نیست.

در دیدگاه طب اسلامی، ضمن معتبر شناختن علل مادی در امر درمان، ولی در طول این علل، درد و درمان از خداست. طبیب مظهر اسم محیی و شافیِ حق است. میزان تأثیر دارو از تقدیر خداست. یاد مرگ تنبه دائمی است. لذا رشد یافتن در چنین فضایی، طبیب را هر لحظه به این اعتقاد می رساند که او فقط ابزار رساندن دارو است و درمان از خداست. این علم زمینه موحدپروری دارد.

[DOR: 20.1001.1.15614107.1391.15.1.11.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.jbums.15.1.77]

The Practical Results of Western World View in Traditional Medicine and Its Comparison with the Islamic Medicine

S.A. Mozaffarpour (MD, PhD) [1*], M. Khodadoost (MD, PhD) [2], M. Yousefi (MD, PhD) [3], S.F. Mozaffarpour (BSc) [4], H. Shirafkan (MA)

1. Department of Traditional Iranian Medicine, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran
2. Forensic Medicine Organization, Tehran, Iran
3. Department of Traditional Iranian Medicine, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran
4. Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran

J Babol Univ Med Sci; 15 (Suppl 1); Winter 2013; pp: 77-81

Received: June 12th 2012, Revised: Aug 7th 2012, Accepted: Nov 5th 2012.

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVE: The differences in worldviews among different communities, lead to the differences in sciences of the human community.

METHODS: In this study, the foundation of worldview in Current Western Medicine is stated and it is compared with what is the foundation of Islamic Medicine' worldview. Then we matched practical orientations of these two medical cultures with their worldviews.

FINDINGS: The sciences that originated in monotheistic intellectual atmosphere differ from the sciences that originated in the humanistic atmosphere. The western medicine, supported by the non-monotheistic, humanistic concepts, seeks and tries to replace God with man. Therefore, all existing qualities expressed in monotheistic worldview for God are sought for man. Efforts are made to perpetuate man, introduce him as the absolute all-knowing aware of all the existence. Creation from the naught in the world, are among the instances of this ideology. From the viewpoint of the Islamic medicine, originating from the monotheistic ideology, not only the material causes of treatment are acceptable, but the whole world, including pain and treatment origin only from God. Physician is considered as the tool and representative for God's Remedial attribution.

CONCLUSION: The result of this research shows that the science produced on the basis of theistic world view is different from the sciences produced on the basis atheistic world view.

KEY WORDS: *Islamic Medicine, Western Medicine, Islamic world view, Western Ideology.*

[*] **Corresponding Author;**
Address: Department of Traditional Iranian Medicine, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran
Tel: +98 111 2194730
E-mail: seyyedali1357@gmail.com

[DOR: 20.1001.1.15614107.1391.15.1.11.0]
[DOI: 10.18869/acadpub.jbums.15.1.77]

References

1.Motahhari M. Introduction to the Islamic worldview. 8th ed. Tehran: Sadra Publications 2004; p: 7. [in Persian]

2.Hasanzadeh Amoli H. Tebb-o and Tabib-o and Tashrih, 1st ed. Qom: Alef-Lam-Min Publications; pp:15-16.

3.The Holy Quran, Surah Ibrahim, Verses 32-34.

4.The Holy Quran, Surah Al-Muminoon, Verses 12-14.

5.The Holy Quran, Surah An-Nahl, Verse 114.

6.The Holy Quran, Surah Al-Isra, Verse 31.

7.The Holy Quran, Surah al-Shoara, Verse 80.

8.The Holy Quran, Surah Loghman, Verse 22.

9.The Holy Quran, Surah Al-e-Imran, Verse 109.

10.The Holy Quran, Surah Inshiqaq, Verse 5.

11.The Holy Quran, Surah Baqarah, Verse 156.

12.Majlesi MB. Behar-al-Anwar. Hadith 31, Volume 90, 1st ed. Lebonan: Dar Ehya Al - Torath Al - Arabi Institute; p: 200.

13.The Holy Quran, Surah Al-Hijr, Verse 85.

14.The Holy Quran, Surah Al-Anbiya, Verse 17.

15.The Holy Quran, Surah Az-Zaryat, Verse 56.

16.The Holy Quran, Surah A-Jasia, Verse 23.

17.The Holy Quran, Surah Al-Hajj, Verse 73

[DOR: 20.1001.1.15614107.1391.15.1.11.0]

[DOI: 10.18869/acadpub.jbums.15.1.77]